



تحلیل معرفت‌شناسانه دین‌گریزی

زهرا بهارلو^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۵

چکیده

دین‌گریزی، سکولاریسم، جدایی دین از سیاست، جدایی دین از علم و در نهایت جدایی دین از زندگی، همگی حامل پیامی واحد هستند: ما از دین بیزار می‌جوییم. فارغ از این که دین‌گریزی تاریخچه‌ای بس عظیم دارد، اینک در جوامع امروزی باوری موجه تلقی می‌شود. چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید. بیایید به جای آن که در باب معرفت‌شناسی و آسیب‌شناسی دین بحث و بررسی کنیم، باورها و نظریات دین‌گرایان را مورد بررسی و تحلیل معرفت‌شناسانه قرار دهیم. توجیهات دین‌گرایانه چیست؟ چرا دین‌گریزی در جوامع کنونی مقبولیت و پذیرش عام دارد؟ آیا باورهای دین‌گرایانه موجه است؟ از آنجا که محبوبیت دین‌گریزی در جوامع روند رو به رشدی دارد، چه بسا تحلیل و بررسی معرفت‌شناسانه باورهای دین‌گرایانه مسیر را در باب معرفت دینی هموارتر سازد. اگر بنا باشد جهل درباره دین سرنوشتی چون اعتقاد به گزاره‌های دین‌گرایانه رقم زند، نادرستی این گزاره‌ها دریچه‌ای بر آگاهی از جهل دینی است. بیزاری از دین می‌تواند ناشی از مواردی همچون جهل و ضعف معرفتی دین، آمیختگی برخی خرافات با آموزه‌های دینی و یا تبلیغ نادرست باشد. لذا در صورت زدودن چنین خرافات و تأکید بر رابطه عقل و دین و تفکر عقلانی در باب آموزه‌های دینی و همچنین تبلیغ درست شاید بتوان دین‌گریزی را در جوامع دینی به حداقل رسانید. این مقاله در نظر دارد نظریات و باورهای دین‌گرایانه را زیر ذره‌بین نقد معرفت‌شناسانه قرار دهد تا توجیهات و موجهات آن را بررسی کند. یقیناً در بطن توجیه و شواهد باورهای دین‌گرایانه جهل و فهم نادرست دین جا خوش کرده است.

کلیدواژه‌ها

دین‌گریزی، معرفت‌شناسی، آسیب‌شناسی دین، رابطه عقل و دین

۱. دانشجوی دکتری فلسفه دین، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

(bahar82123@yahoo.com)

Philosophy of Religion Research

Vol. 20, No. 1, (Serial 39), Spring & Summer 2022, pp. 57-64.

Short Paper (DOI: 10.30497/PRR.2022.76212)



Epistemological Analysis of the Irreligiousness

Zahra Baharloo¹

Reception Date: 2022/02/24

Acceptance Date: 2022/05/05

Abstract

Irreligiousness, secularism, the separation of religion from politics, the separation of religion from science, and finally the separation of religion from life all convey the same message: we hate religion. Apart from the fact that Irreligiousness has a long history, it is now considered a justified belief in contemporary societies. Instead of discussing the epistemology and pathology of religion, let us examine the beliefs of irreligious people epistemologically; What are irreligious justifications? Why is irreligiousness so popular in today's society? Are atheistic beliefs justified? As the popularity of irreligiousness in societies is growing, it is possible that the epistemological analysis of irreligious beliefs will pave the way for religious knowledge. If ignorance of religion leads to irreligious statements, then proving the inaccuracy of these statements is a window into the awareness of religious ignorance. Hatred of religion can be caused by such things as ignorance of religion, mixing some superstitions with religious teachings or false preaching. Therefore, by eliminating such superstitions and emphasizing the relationship between reason and religion, and rational thinking about religious teachings as well as correct preaching, it may be possible to minimize irreligiousness in religious societies. This article intends to critically examine the irreligious theories and beliefs. It shows that The root of irreligious beliefs lies in ignorance and misunderstanding of religion.

Keywords

Irreligiousness, Epistemology, Pathology of Religion, Relationship between Reason and Religion

1. Ph.D. Student of Philosophy of Religion, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (bahar82123@yahoo.com)

۱. درباره دین‌گریزی

از نظر دین‌گریزی، باورهایش در انزجار و نفرت از دین کاملاً موجه است. در این مقاله بررسی خواهیم کرد که آیا از منظر معرفت‌شناسی این باورها موجه هستند یا خیر. در این جا مقصود از دین، دین اسلام و منظور از جامعه، جامعه دینی و ایرانی عصر حاضر است. واژه دین‌گریزی از دو قسمت دین و گریز تشکیل شده است. از این رو شایسته است هر یک از این اجزاء را جداگانه محل تأمل قرار دهیم. «دین» به مجموعه تعالیمی گفته می‌شود که از سوی خدا و توسط انسان‌هایی برگزیده برای بشر ارسال شده است. در اینجا مراد ما از دین تنها دین اسلام است که توسط آخرین سفیر الهی، محمد مصطفی (ص)، بر بشریت عرضه شده است. در مفهوم واژه «گریز» دست کم سه موضوع اساسی لحاظ شده است: دور شدن و فاصله گرفتن و نوعی نفرت و دلزدگی. تا انسان با چیزی مواجه نشود و درکی از آن نداشته باشد از آن فرار نمی‌کند. همچنین تا آن چیز نوعی دلزدگی و انزجار در جان آدمی نیافریند و خاطر انسان را نیازارد، دلیلی برای گریز وجود ندارد. از این رو گریز به معنای دور شدن و فاصله گرفتن ناشی از احساس تنفر و دلزدگی پس از یک مواجهه اولیه است (نک. عالم‌زاده نوری ۱۳۸۸).

۱-۱. تفاوت دین‌گریزی با ملحد و مرتد

«ملحد» در لغت به معنای از راه حق برگشته و بدعت‌گذار است، یعنی کسی که حق را انکار کند یا به خداوند شرک بورزد. «ارتداد» نیز در لغت به معنای بازگشتن است و مرتد آن کسی است که از اسلام خارج شود و کفر را اختیار کند (نک. فیروزآبادی ۱۴۱۵). اما همان گونه که گذشت، دین‌گریزی دین‌داری است که پس از مواجهه با دین دچار نوعی نفرت و دلزدگی نسبت به دین شده و خواهان فرار از دین و دین‌داران است، در حالی که ملحد و مرتد برچسب دین‌دار ندارند و چه بسا منتقد اصول دین و ستیزه‌جو نیز باشند.

۲. باورهای دین‌گریزی

دین‌گریزی بالطبع باورهایی دارد که به موجب آن از دین نفرت دارد. باورهای او در سه بخش قابل بررسی است.

۱-۲. عقلانی نبودن برخی تعالیم دین

در برخورد با برخی احکام دین، دین‌گریزی مسائل را غیرعقلانی برداشت می‌کند. اما در اینجا یک مسئله وجود دارد که آیا واقعاً دستورات دینی خلاف عقل و خرد است یا وجود

اموری مثل خرافات و نقص علوم علت این برداشت است؟ در رد تباین تعالیم دین با عقل و خرد، در قرآن و روایات خلاف آن مطرح شده است. بسیاری از آیات قرآن مقام خردمند را والا توصیف کرده‌اند و میان خردمند و بی‌خرد تفاوت قائل شده‌اند: «آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسان‌اند؟ تنها خردمندان پند و اندرز می‌گیرند» (زمر: ۹). در روایات نیز این مدعا اثبات شده است: «ای هشام، به راستی خدا را بر مردم دو حجّت است: حجّتی آشکار و حجّتی نهان. حجّت آشکار فرستادگان و پیامبران و امامان‌اند و اما حجّت نهان و درونی خرد باشد» (کلینی ۱۳۷۵، ۱: ۵۱). در روایتی دیگر نیز چنین آمده است: «کالای کشتی ایمان است، بادبانش توکل و ناخدایش خرد و راهنمایش علم و لنگرش شکیبایی است» (کلینی ۱۳۷۵، ۱: ۴۹۰). از آنجا که آیات و روایات بسیاری در تقدیر از خرد وجود دارد، پس علت غیرعقلانی بودن برخی باورهای دینی را باید در جای دیگر جست. یا علم به معرفت برخی امور دست نیافته یا پاسخ در وجود موهومات و خرافات است.

اسپند دود کردن در دفع بلا و چشم‌زخم، عطسه در صبر بر انجام کار، کوتاهی عمر بر اثر گرفتن ناخن در روز شنبه و موقع شب، کاسه آب پشت مسافر، نحسی عدد سیزده، قمه‌زنی و باورهای غلط در حوادث شهادت امام حسین (ع)، اینها نمونه‌هایی از خرافاتی است که با گزاره‌های دینی خلط شده است. به طور دقیق نمی‌توان خرافات را تعریف کرد. برای تقریب به ذهن می‌توان گفت خرافات با بدعت رابطه‌ای تنگاتنگ دارد. چه بسا بتوان گفت خرافات همان بدعت است. در قرآن و روایات نیز به وفور بدعت گناهی کبیره و حرام معرفی شده است. لذا خرافات، که موهوماتی در تعارض با عقل است، مٌهر تأیید دین را دریافت نمی‌کند، زیرا دین بر امری که با عقل ناسازگار است صحه نمی‌گذارد. متأسفانه خرافات در جامعه فراوانی بسیار دارد و هیچ نظارت مناسبی بر آن نمی‌شود. چه بسا اگر همین خرافات از باورهای دینی بازشناسانده می‌شد، همین امر بر رابطه عقل با دین صحه می‌گذاشت. اما خرافات در جامعه نقش اول را دارد و جامعه‌ای که باورهای دینی‌اش با خرافات و موهومات درآمیخته است، می‌تواند مورد ظنّ و اتهام قرار گیرد که باورهای غیرعقلانی دارد. در نتیجه باور دین‌گریز در غیرعقلانی بودن برخی مسائل دینی موجه است.

۲-۲. الگوی دینی خطاکار

باور دیگر دین‌گریز این است که الگوی دینی‌ای که به جامعه معرفی شده است خودش می‌تواند از تعالیم دین پیروی نکند، و کماکان سِمَت خویش را حفظ کند. الگوی دینی نامناسب نقشی مهم و کلیدی در انزجار وی از دین دارد. مسئله در اینجا دو چیز است. نخست این که الگوی دینی چه کسی است؟ دوم این که الگوی دینی چه کسی باید باشد؟ این دو با هم تفاوت دارند، زیرا این که الگوی دینی چه کسی باید باشد و این که چه کسی به عنوان الگوی دینی به جامعه معرفی شده است با هم تفاوت دارند. اصولاً الگو و سرمشق دین باید کسی باشد که رفتار و سخنش مطیع دین باشد. جامعه ما روحانیت را الگوی دینی معرفی کرده است. اما آیا شاخص درستی انتخاب شده است؟ امام خمینی (ره) فرموده‌اند: «البته بدان معنا نیست که ما از همه روحانیون دفاع کنیم، چرا که روحانیون وابسته و مقدس‌نما و تحجرگرا هم کم نبودند و نیستند» (خمینی ۱۳۸۹، ۲۷۸). همچنین ایشان فرموده‌اند: «آن قدر که اسلام از این مقدسین روحانی‌نما ضربه خورده است از هیچ قشر دیگر نخورده است، و نمونه بارز آن مظلومیت و غربت امیرالمؤمنین (ع) که در تاریخ روشن است. بگذرم و ذائقه‌ها را بیش از این تلخ نکنم» (خمینی ۱۳۸۹، ۲۸۰). طبق سخنان امام (ره)، این گونه به نظر می‌رسد که شاخص جامعه در الگو قرار دادن روحانیت به عنوان الگوی دین به خطا رفته‌است تا باور دین‌گریز به خطاکاری الگوی دینی موجه گردد. به عبارتی، چون شاخص شناسای دین اشتباه تعیین شده، باور دین‌گریز موجه شده است. اگر بنا باشد هر روحانی الگوی دین محسوب شود، مطمئناً روزبه‌روز انزجار و نفرت از دین در جامعه بیشتر خواهد شد.

۲-۳. دین و خشونت

از نظر دین‌گریز، دین و جامعه یا در درگیری به سر می‌برند یا باورهای دینی به نوعی مخالف شادی است. او در مقایسه جوامع غیردینی با جامعه دینی خود بدین نتیجه رسیده که دین در برخورد با مسائل رویکردی مخالف فطرت دارد. همان طور که جامعه خود را درگیر اجبار در دین‌داری می‌بیند، جوامع دیگر غیردینی را غرق در خوشی و شادی و آزادی بی‌حصر می‌پندارد. از این رو باور می‌کند که دین مخالف شادی است و اجبار و زور و خشونت تنها واژگان فرهنگ لغت دین هستند.

در قرآن و روایات نمونه‌های فراوانی مبنی بر فطری بودن دستورات دینی است. در آیه سوم سوره روم گرایش انسان به دین امری فطری دانسته شده است. بنابراین اگر فطرت

آدمی با دین سازگار باشد، پس آیا باور دین‌گریز ناموجه است؟ یا گزینه سومی نیز وجود دارد. از آنجا که باورهای دینی با فطرت همخوانی دارند و دین‌گریز در توجیه مدعای خود از زور و اجبار دینی و عدم آزادی در دین سخن می‌راند، بدین نتیجه می‌رسیم که دین‌گریز خواهان آزادی است و آزادی مطابق فطرت دینی است. پس مسئله در این نیست که دین خشونت‌طلب است، بلکه مسئله در این است که آزادی مطابق فطرت آدمی است و جامعه او موافق با زور و اجباری است که مخالف فطرت است. در صورتی که مسئله همین باشد، باور دین‌گریز کاملاً موجه است. اما وی در یک جا راه را به خطا رفته است. زیرا دین‌گریز برچسب می‌زند که دین خشونت‌طلب است، در حالی که تنها جامعه دینی او این خشونت را نشان داده است. لذا باید نشان داده شود که حقیقت دین این جامعه یا آن جامعه نیست. یک جامعه ممکن است ادعای دینی بودن بکند اما ادعا کجا و حقیقت کجا؟

۳. جمع‌بندی

پیرو بررسی باورهای دین‌گریز مبنی بر موجه بودن یا نبودن گزاره‌های اعتقادی او، بدین نتیجه رسیدیم که در جامعه دینی ایرانی امروز ما، دین‌گریز باورهایی موجه دارد. هدف از بررسی باورهای دین‌گریز ارائه توجیحات در رد موجهات اوست. لذا ادامه نوشتار را با پیشنهاد در باب توجیحات ممکن پیگیری خواهیم کرد.

۳-۱. مشکل در عملکرد تبلیغی دین

در جامعه، دین به چند دلیل درست تبلیغ نمی‌شود. نخست این که فضای آموزش دینی در قالب سخنرانی و کتاب است که برای خیل عظیمی از مردم خسته‌کننده است. زیرا بحث‌های اقناعی غالباً خشک و خسته‌کننده هستند و بدون آمیختن یا همراه شدن آنها با احساس، موجب خستگی مخاطب می‌گردند. دوم این که فرهنگ‌سازی از طریق اجبار و گشت ارشاد خطا است، چون آزادی مطابق فطرت آدمی است. چنان که خداوند در سوره بقره فرموده است: «لا اکراه فی الدین» (بقره: ۲۵۶). لذا هر آنچه مخالف و مبین فطرت آدمی باشد نتیجه‌ای بالعکس خواهد داد. سوم این که فرهنگ دینی در سریال و فیلم ایرانی به خوبی منعکس نمی‌شود. معمولاً در رسانه، سالمند یا نقش مثبت داستان اهل نماز و مسجد و دعا است. نه تنها درباره بدی غیبت یا دروغ و بسیاری از آموزه‌های دینی سریال و فیلمی تهیه نمی‌شود، بلکه بسیاری از خرافات و آموزه‌های خلاف دین نیز در این سرگرمی‌های رسانه‌ای تکرار می‌شود. این در حالی است که بسیاری از جوامع غیردینی فیلم‌هایی در باب مسائل اخلاقی در کارنامه فرهنگ‌سازی خود دارند. حقا آن تأثیری را که

فیلم و سریال می‌تواند در سرشت مردم بگذارد سخنرانی و کتاب نخواهد توانست. در نتیجه فضای خشک و خسته‌کننده متعلق به دین خواهد شد و فضای مفرح و سرگرمی متعلق به خرافات و آموزه‌هایی خلاف دین نظیر دروغ‌گویی، غیبت، پوشش غربی و رفتار ناشایست نسبت به بزرگ‌تر. دقیقاً مکانی که جوان امروزی بیشتر وقت خود را در آنجا می‌گذراند متعلق به تبلیغ فرهنگ غیردینی است. چهارم این که رابطه عقل و دین می‌تواند از طریق رسانه پررنگ‌تر نمایش داده شود. کارلسون و همکارانش معتقدند که رسانه‌ها در شکل‌گیری فرهنگ نقشی کلیدی دارند، چون رسانه دروازه‌ای است که از طریق آن فرهنگ به افراد منتقل می‌شود (Carlsson et al 2008). از این رو بطلان خرافات و موهومات از طریق رسانه بهترین روش در فرهنگ‌سازی دینی است. همچنین از طریق رسانه می‌توان باورهای دینی را از منظر عقلانی بودن مورد توجه قرار داد تا رابطه عقل و دین در جامعه برجسته گردد.

این ایده که علم و دین تضاد ذاتی دارند ناشی از انگارهٔ اواخر قرن نوزدهم است. دین منبع معرفت موثقی تلقی می‌شده که حتی گالیله هم که توسط کلیسا محکوم به اعدام شد، ایمانش را انکار نکرد. روشنگری همیشه حامی علم بوده، نه به عنوان جانشینی برای دین، بلکه بیشتر به عنوان سرمشقی از خرد که خرافات را از دین بازشناساند (قائم‌نیک ۱۳۹۵، ۲۷۵).

۲-۳. شاخص شایسته در شناسایی دین

اگر بخواهیم باور دین‌گرایان را زیر سؤال ببریم و باورهای موجه وی را ناموجه سازیم، باید جامعه الگوی دینی شایسته معرفی کند. اگر بنا باشد روحانیت این منصب را به عهده بگیرد، باید یادآور شد که روحانیون عصمت ندارند. لذا خطای فرد الگو خللی در اصل دین وارد نمی‌سازد و تنها وی فردی گناهکار است. باید دین‌گرایان بدانند که الگوی دین در جامعه کنونی فردی عادی است که عصمت ندارد و اشتباه او ارتباطی با حقیقت دین ندارد.

۳-۳. دسترسی به کتب اعتقادی

چرا نباید کتاب جامع اعتقادی مانند رسالهٔ مراجع و یا فرهنگ لغت در دسترس افراد جامعه باشد تا به دور از مناقشات فلسفی و کلامی دین خود را بشناسانند.

۴. نتیجه‌گیری

در این مقال، بررسی شد که باورهای دین‌گرای می‌تواند موجه باشد. برای ناموجه ساختن توجیه دین‌گرای باید باورهای متزلزل گردد. اما این مستلزم مواردی است که جامعه دینی نسبت به آن اهمال ورزیده است. بنابراین در صورت رفع این اهمال‌ها، دین‌گرایی و نفرت از دین در جامعه رو به افول خواهد گذاشت.

کتاب‌نامه

- قرآن کریم.
فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. ۱۴۱۵. *القاموس المحيط*، ۴ ج. بیروت: دار الکتب العلمیه.
القاموس المحيط، فیروزآبادی.
خمینی، روح‌الله. ۱۳۸۹. *صحیفه امام*، ج. ۲۱. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
عالم‌زاده نوری، محمد. ۱۳۸۸. «دین‌داری و دین‌گرایی». *پگاه حوزه* ۲۵۵.
کلینی، شیخ محمدباقر. ۱۳۷۵. *اصول کافی*، ج. ۱. قم: اسوه.
قائم‌نیک، محمدرضا. ۱۳۹۵. *علیه نظم سکولار و چند مقاله دیگر*. تهران: ترجمان علوم انسانی.
Carlsson, Ulla, Samy Tayie, Geneviève Jacquinet-Delaunay, and José Manuel Pérez Tornero. 2008. *Empowerment through Media Education: An Intercultural Dialogue*. Nordicom, University of Gothenburg.